

### متن پرسش

سلام استاد: نظرتون را راجع به متن زیر بفرمایید: «اربعین امری فراتر از عادات» بسم تعالی: نمی دانم باید اسم این «رازگونه‌ی تاریخ» را چه بگذارم او که نه می‌شود دانستش، نه می‌شود نوشتش، نه می‌توان خواندش، و هزاران نهی دیگر... فقط می‌دانم که باید در حیرت زده‌گی، گیجی و سر درگمی نظاره‌گرش بود؛ انگار باید در او قرار گرفت و در حضور پر معنای او غایب شد به مانند قطره در میان دریا. اصلاً مگر می‌شود از «سر»، جز به اشاره سخن گفت تا وجهی از وجوهش را در هر دوره ظهوری باشد؟! چه خوش گفت شاعر که: «حقیقت را به هر دوری ظهوری ست» آری این حقیقت بی‌منتها را نه می‌شود و نه ظرفش هست که یک‌جا و یک‌باره به نظاره نشست. حقیقت عاشورا به مانند خورشیدی ست که تاب ماندن به پیش او را کسی ندارد، آنقدر شدید است که هرکس بخواهد به آن نزدیک شود هلاک خواهد شد، حال چه در لباس حق باشد، چه در لباس طاغوت. چرا که عاشورا محل ابراز حضور و وجود نیست، روز عاشورا محل «مستهلک‌شدن» است محل «فنا و نابودی هر چیزی» است با این تفاوت که عده‌ای حسینی شوند، عده‌ای یزیدی. آنقدر حرارت عاشورا شدت دارد که کسی نمی‌تواند با «من» خود که چیزی جز «وهم» نیست در آن قرار گیرد. توان دیدن، فهمیدن و درک عاشورا برای کسی نیست بل باید آن را در جلوه‌ی رقیق‌شده‌اش، به نظاره نشست. «اربعین» همان تجلی‌گاه، محل و مشهد عاشوراست. اگر کسی بخواهد واقعیت عاشورا و حسین «علیه‌السلام» را در متن و جای‌جای تاریخ ببیند، باید اربعین را به تماشا نشیند و «کل یوم عاشورا» را کجا می‌شود تاویل و تعبیر و تفسیر کرد؛ الا با اربعین؟! آری اربعین داستان‌ها، رازها و نگفته‌ها در سینه دارد که گاه‌گاهی بنا به کاسه‌ی ما بی‌ظرف‌ها «سزی» از آن راز بی‌منتها را برایمان فاش می‌کند و ما را به حیرت و سکوت وامی‌دارد. «اربعین» آمده بشریت را به سمت و سوی «امت واحده‌ی» محمدی، اشارت و بشارت دهد. «اربعین» این باران کثیر محبت آمده تا رودهای جاری حیات را به دریا‌های خروشان فطرت، و این دریاها را به اقیانوس بی‌نهایتی به نام «اباعبدالله» منتهی کند. آری اباعبدالله «علیه‌السلام» همان کلمه‌ی واحدی ست که با «اربعین» به تاریخ آمده تا آدمی را به «بندگی‌اش» یعنی همان اصل فراموش‌شده‌ی بشر برگرداند. عالمی که امروز در آن قرار داریم عالم کثرات و اراده‌های معطوف به نفسانیت بشر است که طلب قدرت و طاغوتی‌گری دارد. بشر امروز حرف از مرگ خدا می‌زند و حیات خدا را در گذشته جا گذاشته، به نحوی که گویی عالم امروز مطلقاً تهی از خداست، و تنها به فرهنگ انتزاعی و حصولی نگاه به معبود اکتفا کرده و به تبع این نگاه، می‌خواهد حسین «علیه‌السلام» را هم در حدود ۱۴۰۰ پیش دفن کند و تنها بر سر قبرش فاتحه‌ای بخواند. اما «عاشورا» در لباس «اربعین» همان

خون حیات‌بخش در رگ‌های طول تاریخ است. «اربعین» کلمه‌ی «اُنسی» است که با زینب «سلام‌الله‌علیها» به صحنه آمد و فراهم کردن اُنس، کارِ مادر است و این زینب است که مادرانه آمده تا همه را به خانه‌ی اُنس انسانیت دعوت کند، انس یعنی یگانگی بشر، فراتر از هر مذهب و ایدئولوژی و جریان و فانی‌شدن ذیل محبت و «امر ولایت». امروزه بشر بی‌سرپناه و یتیم شده است و نیاز به تکیه‌گاهی حقیقی دارد، و این زینب است که مادرانه برای فرزند بی‌پناهِش آغوش گشوده و تکیه‌گاهی برای آرامشش شده. امروز آدمی آنقدر دچار پوچی و قهر طاعوت نفسانی شده که دیگر یأس، سر و پایش را گرفته و انگار نمی‌خواهد و نمی‌تواند در دل این زشتی‌ها هیچ زیبایی را ببیند و زینب آمده تا با «صبر مادرانه» «ما رأیت إلا جمیلاً» را ذره‌ذره حتی در غل و زنجیر طاعوت یزیدی هم که باشی یادت بدهد و همان طور که او، اسارت را در غل و زنجیر کرد؛ آمده تا بشر را فرا تر از «اسارت عادات» امروز بشر سیر دهد و متذکر «اذان» هستی که شهادت به «لا اله الا الله» است بشود تا بتوانیم آن به آن از «لا اله» که نفی هر خدایی است با «إلا» سیر کنیم و تمام هیمنه‌ی کاخ یزیدی را برسرش فرو بریزیم و به «الله» برسیم.

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: تعبیر بسیار زیبایی است آن‌جا که می‌فرمایید: «اربعین» محل ظهور کلمه‌ی اُنس است که از طریق زینب کبری «سلام‌الله‌علیها» با روح مادرانه به بشریت رسید؛ و از این جهت است که قلب‌ها آرام‌آرام می‌توانند لطائف آن عشق فوق‌العاده را احساس کنند. زیرا عشقی که در کربلا ظهور کرد، حقیقتاً توصیف‌ناپذیر است به همان معنایی که آن مرد عارف فرمود: «هرچه گویم عشق را شرح و بیان / چون به عشق آیم خجل باشم از آن. گرچه تفسیر زبان روشن‌گراست / لیک عشق بی‌زبان روشن‌ترست. چون قلم اندر نوشتن می‌شتافت / چون به عشق آمد قلم بر خود شکافت. عقل در شرحش چو خر در گل بخت / شرح عشق و عاشقی هم عشق گفت». آری! تنها کسی چون زینب «سلام‌الله‌علیها» می‌تواند آن عشق را به ظهور آورد که خود ذوب‌شده‌ی آن عشق باشد. از این جهت باید گفت: زینب «سلام‌الله‌علیها» واسطه‌ی فیض است تا عشق الهی حسین «علیه‌السلام» به خدا را به بشر ارزانی دارد. اگر تا قیام قیامت بشر نمی‌تواند بفهمد چه نسبتی بین حسین «صلوات‌الله‌علیه» و خدا بود، به امید روزی هستیم که به نور زینبی در این اربعین‌های متوالی پیام عشق حسینی را از آینه‌ی زینبی احساس کنیم. موفق باشید